

به نام خدا

سرزمین ممنوعه

نویسنده: امیرحسین حمیدپور

۱۳۹۹

مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

سرشناسه	:	محمدپور، امیرحسین، ۱۳۷۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	سرزمین ممنوعه/نویسنده امیرحسین محمدپور.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۴۵۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۸۵۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	:	PIR۸۳۶۱
رده ی بوی	:	۶۲/۳۸۱
نماره کتابخانه ملی	:	۶۲۲۹۱۳۹



موسسه آموزشی تالیفی ارشدان

سرزمین ممنوعه

امیرحسین محمدپور

آموزشی تالیفی ارشدان

اول

اول ۱۳۹۹

www.irantypist.com

www.irantypist.com

۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۸۵۷-۸

۱۰۰۰

www.arshadan.com

www.arshadan.net

۰۲۱۴۷۶۲۵۵

۶۵۰۰۰ تومان

■ نام کتاب:

■ تألیف:

■ ناشر:

■ ویرایش:

■ نوبت چاپ:

■ حروفچینی و صفحه آرایی:

■ طراح و گرافیکست:

■ شابک:

■ شمارگان:

■ مرکز خرید آنلاین:

■ مرکز پخش و توزیع:

■ قیمت:

پیشگفتار ناشر:

به نام ایزد دانا که آغاز و انجام از آن اوست

هرگز دل من ز علم محروم نشد کم ماند زاسرار که مفهوم نشد
اکنون که چشم عقل در می نگرم معلوم شد که هیچ معلوم نشد

ای دانا، بی شک ای خشنده ایی که ناخواسته عطا فرمایی و هر نیازمندی را به عدالت بی نیاز گردانی، مگر اینکه نالایق باشد و آن عنایت را به بازگونه از دست دهد. در علم، پیشرفت تکنولوژی در هزاره سوم، هنوز نیاز بر مطالعه کتاب در کنار استفاده از منابع کامپیوتری و اینترنت احساس می شود. از این بابت خوشحالیم که می توانیم در جهت اعتلای علم، دانش و فرهنگ کشور قدمی هر چند کوچک برداریم.

و بحمد الله التوفیق

دکتر شمس الدین یوسفیان

مدیر مسئول انتشارات ارشدان

۹	مقدمه
۱۱	فصل اول: اتفاقی به نام عشق
۳۵	فصل دوم: به ثمر نشستن یک رویا
۱۲۱	فصل سوم: قلم بر شست
۱۶۱	فصل چهارم: وراز، ملایم
۱۷۳	فصل پنجم: نبرد تاریخی با اادوگران
۲۰۹	فصل ششم: آغاز دوران یک
۲۵۷	فصل هفتم: قدرت
۲۷۳	فصل هشتم: کورسوی نور امید
۳۳۱	فصل نهم: ورود به دنیای درون
۳۵۹	فصل دهم: دیدار
۳۶۷	فصل یازدهم: نیزه‌ی خورشید
۳۸۱	فصل دوازدهم: کتابخانه‌ی الواح
۴۰۵	فصل سیزدهم: دیدار با فرزند
۴۱	فصل چهاردهم: پیمان
۴۱۹	فصل پانزدهم: گذر از سرزمین مجنون گرها
۴۴۵	فصل شانزدهم: حسرت ابدی یک مرد

هزاران هزار سال قبل، دونه‌ای گمشده از تاریخ انسان‌ها، مردم در روزگارانی شگفت‌انگیز زندگی می‌کردند. در آن زمان مردمان در قبایلی که نشانه اصالت آن‌ها بود روزگار می‌گذراندند. قبایلی پشرفته که دیاری برای خود بنا ساخته بودند و کشاورزی و دامداری و تجارت پیش از آن‌ها بود.

رئیس قبیله عهده دار اداره امور قبایل بود و مردم همه گوش به فرمان او بودند؛ اما متأسفانه روسای هریک از قبایل برای دستیابی به منافع بیشتر و کشورگشایی جنگ با دیگر قبایل را آغاز کردند و به سرزمین‌های یکدیگر تورش بردند. این جنگ‌ها و غارت‌ها تا سالیان درازی به طول انجامید و روسای قبایل سرزمین‌های بسیاری را برای غارت درمی‌نوردیدند به سیران یک سرزمین؛ سرزمین ممنوعه، جنگلی مرموز و عجیب که هرکس وارد آن می‌شد، بگر بازنمیگشت و به گفته مردم جادوگران در قسمتی از این جنگل تاریک زندگی می‌کردند.